

با بازگشت بنیانگذار انقلاب اسلامی از پاریس به تهران، ایشان همراه خانواده مدتی را در خانه قدیمی شان در قم سکونت کردند؛ سکونتی که دیری نپایید و از اسفند ماه ۱۳۵۸ رهبر انقلاب برای مداوای عارضه قلبی به تهران عزیمت کردند. پزشکان ایشان تاکید داشتند که محل سکونت حضرت امام (ره) باید با توجه به بیماری شان از آب و هوایی پاک برخوردار باشد. بدین منظور، ابتدا شرایط سکونت امام (ره) در خانه‌ای در

محل در بند مهیا شد؛ خانه‌ای که با روحیات ساده‌زیستی امام راحل (ره) سازگار نبود. در نهایت، خانه حجت‌الاسلام سید مهدی امام جمارانی از روحانیان مبارز وقت، برای سکونت دائمی حضرت امام (ره) انتخاب شد. این خانه در پشت حسینیه جماران و یادآور سخنرانی‌های راهگشای امام انقلاب است. تصاویر بسیاری از ساده‌زیستی امام راحل (ره) در خانه جماران که تا پایان عمر در آن حضور داشتند، به ثبت رسیده.

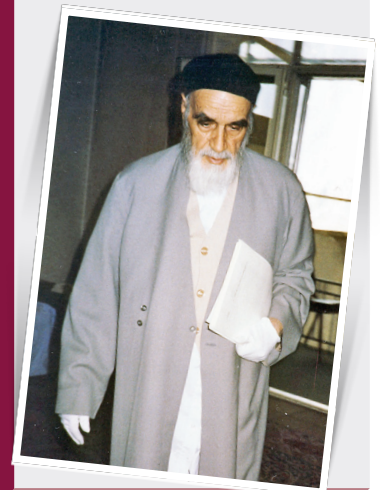


طبق برنامه پیش می‌رفتند
لحظه‌های ماندگار

برنامه‌ریزی دقیق امام خمینی (ره) مورد توجه بسیاری بود تا جایی که برنامه روزانه خود را بر اساس این برنامه می‌چیدند. ایشان برای کارهای روزانه خود دفتر مختص به این کار داشتند و جدولی طراحی کرده بودند که تمام ساعت شبانه‌روز به همراه فعالیت مربوطه در آن نوشته و درج شده بود.

● ثبت خاطرات

ضمن اینکه امام (ره) بسیار با برنامه بودند، در پایان روز نیز ایشان خاطرات‌شان را ثبت می‌کردند. حجت‌الاسلام انصاری کرمانی، یار دیرین بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران نقل کرده: امام برای کار روزانه جدولی داشتند که خودشان آن را تهیه کرده بودند و در آن جدول، کارهای همه ساعات شبانه‌روزشان درج شده بود؛ به جز ساعاتی از شب که برای نماز شب و راز و نیاز با خدا از خواب برمی‌خاست. به گفته سایر افرادی که سال‌ها فرصت و سعادت همراهی در کنار امام خمینی (ره) نصیب شان شده و با او همراه بوده‌اند، امام حتی یک لحظه از عمر گرانبمایه خود را به بیهودگی نگذراندند و همواره مشغول کار بودند. اگر شخصی یک دفتر برمی‌داشت و بسا امام حرکت می‌کرد، می‌توانست از حرکات او، کارهای خوبی ثبت کند. حضرت امام خمینی در عین پرکاری و تلاش مداوم، بسیار منظم بود و به‌طور کلی، یکی از اساسی‌ترین رموز موفقیت امام در زندگی، نظم بود. از این رو، خانواده امام، وقت کارهای خودشان را با کارهای امام تنظیم می‌کردند؛ زیرا به درستی می‌دانستند که امام در هر ساعت خاصی به چه کاری مشغول است. به گفته بسیاری از چهره‌های شناخته شده، این نظم به انسان درس و نشان می‌دهد که هر کسی با ایجاد نظم در زندگی، می‌تواند افکار، اندیشه‌ها و کارهای بیهوده را از زندگی خود حذف کند. حضرت امام آن چنان نظمی در امور زندگی خود داشتند که انسان مبهور می‌ماند. این چنین نظمی در مسائل سیاسی، اجتماعی، کشورداری و خلاصه در تمام امور زندگی ایشان به چشم می‌خورد.



ملاقات‌های بدون تشریفات

به گفته حاضران در جلسه مسئولان، ملاقات‌های مسئولان و افراد سرشناس با امام خمینی (ره) در یک اتاق کوچک ۳ در ۴ خانه ایشان انجام می‌شد. حجت‌الاسلام انصاری کرمانی از همراهان بنیانگذار انقلاب در خاطراتش گفته: بارها مردم تقاضا کرده بودند که ملاقات‌های خصوصی امام با شخصیت‌های سیاسی و حتی جهانی را برای حفظ در تاریخ ضبط و فیلمبرداری کنیم اما می‌دانستیم که امام (ره) نمی‌پذیرند و راضی به نصب دوربین فیلمبرداری در اتاق نیستند و این کار را تشریفات می‌دانستند. حدود یک‌سال در باره این قضیه با ایشان صحبت کردم تا اینکه پذیرفتند این کار صورت بگیرد. در یک فرصت ۲-۳ روزه که امام ملاقات‌ها نداشتند، با همکاری برادران صدا و سیما وسایلی فیلمبرداری را در اتاق ایشان نصب کردیم. یک روز صبح که امام طبق روال قبلی برای ملاقات وارد اتاق شدند و تا چشم‌شان به سقف افتاد، ناراحت شده و فرمودند: همین امروز این وسایل را از اتاق من جمع کنید و برای من در این آخر عمری تشریفات نگذارید. من احتیاج به این کارها ندارم.

متظاهران را دوست نداشتند

در بسیاری از دیدارها، مسئولان نکات مدنظر و دغدغه‌هایشان را با امام در میان می‌گذاشتند و ایشان هم راهنما و راهگشای شان بودند. آیت‌الله خامنه‌ای که در برخی از دیدارها همراه امام خمینی (ره) بودند به یاد دارند: امام از تظاهر خوش شان نمی‌آمد و به کسانی که اهل تظاهر نبودند علاقه داشتند، مثلاً ایشان از تیمسار ظهیرنژاد خوش شان می‌آمد؛ چون وی اهل تظاهر نبود. هر روز ریش اش را تیغ می‌زد و همان‌طور خدمت امام می‌رسید. خیلی‌ها می‌خواستند ایشان را جابه‌جا کنند ولی امام حاضر نمی‌شدند. یک روز عده‌ای از فرماندهان ارتش از جمله فرمانده نیروی هوایی که بعد معلوم شد آدم مغرضی بود و ریشی هم گذاشته بود، خدمت امام آمدند. قرار شد فرمانده نیروی هوایی گزارشش بدهد؛ تا قبل از گزارش شروع کرد به خواندن دعای فرج. آقای ظهیرنژاد به او گفت: آقا عوام نیستند، حرفت را بزن. امام از این سخن خوش شان آمد و خندیدند.

ملاقات‌های مستمر مسئولان با امام
هر روز برگزار می‌شد

گره‌گشایی
سر ساعت ۱۰

بخشی از فعالیت ثابت و روزانه امام خمینی (ره) ملاقات‌های متعددی بود که با گروه‌های مختلف به ویژه مسئولان، خبرنگاران و سفیران خارجی داشتند. همه می‌دانستند که ایشان ملاقات‌ها را ساعت ۱۰ تا ۱۲ قبل از ظهر انجام می‌دهند؛ بنابراین درخواست ملاقات‌شان را هم منطبق با این ساعت به دفتر امام (ره) ارائه می‌کردند. در این دیدارها نوع پذیرایی و میزان وقت برای همه یکسان بود و افراد بسیاری از این دیدارها، خاطره‌های شنیدنی به یاد دارند.



ما از نشستن خسته شدیم
امام نه

وارد خانه شدیم و روی زمین نشستیم و منتظر شدیم که آیت‌الله بیاید. در گوشه‌ای از اتاق سمارو گذاشته بودند و چای درست می‌کردند. به ما هم چای دادند و خوردیم تا ایشان از در وارد شدند. دیدار ما بیش از ۲ ساعت طول کشید، همه ما روی زمین نشسته بودیم، امام هم، همین‌طور. وقتی جلسه تمام شد، با اینکه پیر نبودیم، بادشواری از جایمان بر خاستیم، ولی آیت‌الله خمینی، بسیار راحت از جای خود بلند شدند و با سرعت رفتند؛ مانند یک جوان ۲۵ ساله!

دیدارهای یکسان برای مردم و وزرا



به گفته حمیدرضا نقاشیان، محافظ امام خمینی (ره) تشریفات و زینت آرای در سلوک ایشان جایگاه نداشت. این ساده‌زیستی در دیدارها به چشم مقامات کشورهای دیگر هم می‌آمد و از آن متعجب می‌شدند. او خاطره‌ای در این زمینه تعریف کرده: ایشان میان کسانی که برای خواندن خطبه‌ی عقدم می‌آمدند یا مقامی که از یک کشور خارجی پیش ایشان می‌رفتند، تفاوتی قائل نمی‌شد. مثلاً یادم هست در دیدار ایشان با وزیر امور خارجه شوروی سابق که به ایران آمده بود تا پیام گورباچف را به امام (ره) برساند، سادگی محل دیدار و مناسبات برای وزیر امور خارجه شوروی آن زمان هم قابل باور نبود و در عوض، هیبت شخصیت امام طوری این فرد را تحت تأثیر قرار داد که باعث شد در حرف زدن لکنت پیدا کند و دستش هم می‌لرزید. امام هیچ‌وقت با افراد از موضع بالا و به عنوان رهبر یک انقلاب یا مرجع بزرگ تشیع برخورد نمی‌کرد. بارها افرادی می‌آمدند که در مواجهه با امام و تحت تأثیر شخصیت ایشان، نمی‌توانستند حرف‌شان را بزنند اما با هدایت شرایط از سوی امام، آنها احساس راحتی می‌کردند.

مهربانی در دیدار اسقف

کاپوچی، اسقف سابق قدس، فروردین سال ۱۳۵۸ به عنوان مهمان رسمی امام وارد ایران شد و به دیدارشان رفت. او درباره این دیدار گفته: در فرودگاه هزاران نفر از برادران به استقبال من آمده بودند. در منزل امام، ایشان مرا به گرمی در آغوش گرفت و روبوسی کرد. سپس در حالی که دست مرا در دست داشت، خطاب به خبرنگاران فرمود: «همگی استقبال از اسقف کاپوچی را مشاهده کردید. شما از دروغ‌هایی که مغرضین و دشمنان انقلاب اسلامی ایران پخش کرده‌اند تا چهره این انقلاب را دگرگون نشان دهند، اشباع شده‌اید. در این دروغ‌ها، انقلاب را انقلاب تشنج و تعصب و خونریزی توصیف کرده‌اند. با وجود اینکه می‌دانند دین اسلام که شعار ما در این کشور است، دین محبت، پاکدامنی، وسعت نظر و حیا می‌باشد و من برای اینکه دروغ‌های مغرضان را از میان ببرم، اسقف کاپوچی را دعوت کردم. او فقط یک مسیحی نیست او یک اسقف یا کارگزار و مسئول کلیساست.» دوران بسیار زیبایی را در تهران گذراندم.